

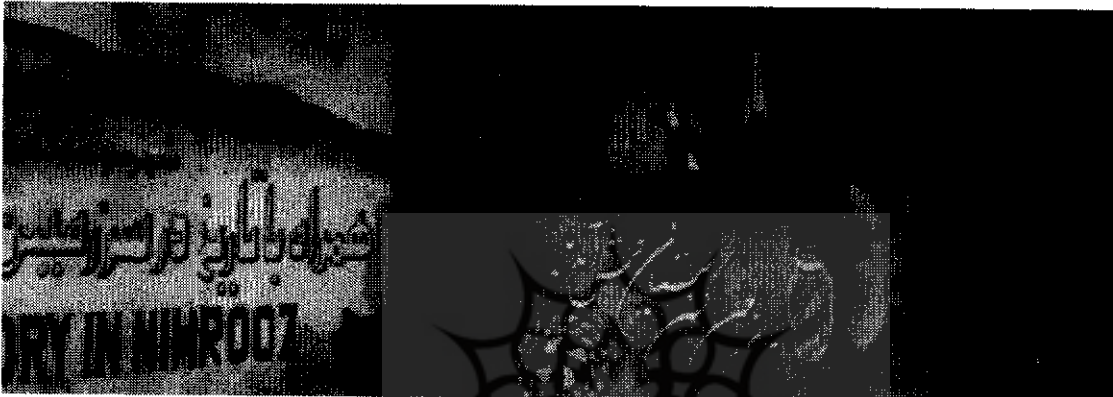
بهشت باستان شناسان

سخنرانی دکتر سید صادق سید سجادی
پیرامون آخرین یافته‌های باستان‌شناختی در شهر سوخته

اشاره

در شماره ۱۴، گزارش برگزاری همایش «همراه با تاریخ در سرزمین نیم‌روز، آمده بود. در جریان این همایش، بازدیدها و جلسات سخنرانی متعددی برگزار شد که مهم‌ترین آن‌ها سخنرانی‌های دکتر سید صادق سید سجادی، رئیس هیأت باستان‌شناسی شهر سوخته بود. ایشان در سه مرحله، توضیحاتی درباره اهمیت تاریخی و اطلاعات حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی شهر سوخته ارائه کردند. علاوه بر آن، اشاره‌ای هم به سایر محوطه‌های باستانی در استان سیستان و بلوچستان داشتند. آنچه در پی می‌آید، متن سخنرانی ایشان در مراسم افتتاحیه همایش (۱۲ آذر ۸۲)، جلسه بررسی یافته‌های شهر سوخته (۱۲ آذر ۸۲) و مراسم بازدید میهمانان همایش از محوطه شهر سوخته (۱۴ آذر ۸۲) است.





بنابراین، کاوش‌های شهر سوخته از نظر آموزشی هم مهم بوده است. کار باستان‌شناسان در این جا هم مثل سایر جاها، بازسازی جامعه گذشته است براساس شواهد مادی.

جناب آقای حیدری، فرماندار زابل، اشاره کردند به مجموعه یک دختر جوان که در شهر سوخته پیدا شده. ببینند، اهمیت باستان‌شناسی این است که به ما نشان می‌دهد، دارای هویت فرهنگی هستیم. ما مردمی شناسنامه‌دار هستیم، بی‌بته و بدون تاریخ نیستیم. شناسنامه ما مثل برگه‌های یک کتاب تاریخ می‌ماند که پاره پاره شده است. وظیفه ما جمع‌آوری این پاره پاره‌هاست و چسباندن آن‌ها به یکدیگر. اگر ما نتوانیم به هویت اصلی خودمان برگردیم، نمی‌توانیم در دنیا پیش برویم.

خوشبختانه شهر سوخته و دهانه غلامان و سایت‌های باستانی سیستان از قابلیت‌های فراوانی برخوردارند که اگر ما باستان‌شناسان بتوانیم از آن‌ها استفاده کنیم، اطلاعات گرانبهائی را از گذشته خودمان به دست خواهیم آورد. از آن‌جا که اسم سیستان از نظر باستان‌شناسی فقط با شهر سوخته گره خورده است، من مجبورم از سایر سایت‌های باستانی سیستان هم دفاع کنم.

سیستان از حدود سه هزار سال قبل از میلاد تا امروز سابقه تاریخی دارد. قطعاً و صددرصد، پیش از آن هم در این جا تمدن وجود داشته است، ولی ما هنوز شواهد آن را پیدا نکرده‌ایم؛ زیرا برای مثال، جابه‌جایی‌های گوناگون که در بستر رودخانه هیرمند انجام گرفته، باعث شده است، خاک‌های رسوبی آثار کهن‌تر را بپوشانند.

الف) سخنرانی دکتر سیدسجادی در مراسم افتتاحیه همایش
کارهای باستان‌شناسی در سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۷۴ و پس از چند دهه توقف، آغاز شد. خوشبختانه حدود هفت سال است که ما در این جا کار می‌کنیم. در حال حاضر، تعداد گروه‌های باستان‌شناسی در سیستان و بلوچستان به حدود هشت گروه فعال رسیده است که از این تعداد، حدود شش گروه در همین هیأت باستان‌شناسی شهر سوخته هستند. علاوه بر این، در دهانه غلامان، زاهدان کهنه، زهک و برای نخستین بار در بلوچستان نیز سایر گروه‌ها مشغول کار هستند. طی این مدت، حدود سی مقاله و کتاب در مورد کاوش‌های شهر سوخته به زبان‌های فارسی، روسی، انگلیسی و ایتالیایی منتشر شده که برای چهارده ماه حفاری، بیلان بسیار خوبی است.

همچنین، گروه باستان‌شناسی شهر سوخته موفق شده است، تعداد صدویست کارشناس را از میان دانشجویان رشته باستان‌شناسی در دانشگاه سیستان و بلوچستان و دانشگاه زابل تربیت کند و این باعث افتخار است. یکی از هدف‌های بنده در آغاز کار در این جا همین بوده است که تا حد امکان، از نیروهای جوان و با استعداد منطقه، و در این مورد خاص یعنی شهر سوخته، از جوانان با استعداد زابلی استفاده شود و باز مفتخریم که بگوییم، تمام همکاران بنده در این جا توانستند به بهترین شکل کار خود را انجام بدهند. از باستان‌شناسان دیگر هم پیشی گرفته‌اند و باز هم باعث افتخار است که از همین گروه باستان‌شناسی شهر سوخته، دو نفر مدرک دکترا خواهند گرفت.

ب) سخنرانی دکتر سیدسجادی درباره شهر سوخته

شهر سوخته یکی از بزرگ‌ترین شهرهای باستانی ایران و خاورمیانه است. این شهر صد و پنجاه و یک هکتار وسعت دارد. حدود سه هزار و دو بیست سال قبل از میلاد پایه‌گذاری شده و حدود دو هزار سال قبل از میلاد هم از بین رفته است. یعنی برای یک دوره حدود هزار و دو بیست ساله، زندگی در این جا جریان داشته است. به عبارت دیگر، سی نسل انسانی حداقل در این جا زندگی کرده‌اند.

خود شهر به چند قسمت مجزا از هم تقسیم می‌شود. یک قسمت منطقه مسکونی است. در قسمت دیگر، کارگاه‌های گوناگون صنعتی قرار دارند. مردم شهر سوخته محل کار را از محل زندگی خودشان جدا کرده بودند. البته در آن زمان هم، مثل خانه‌های روستایی امروزی، در بعضی خانه‌ها کارهای کوچکی وجود داشته است، ولی کار اصلی بیرون از خانه بوده است.

طبیعتاً، هر شهر بخشی هم به نام گورستان دارد و در شهر جایی برای سفر آخرت در نظر گرفته می‌شود. امروزه این مکان را جایی خارج از شهر درست می‌کنند. در شهر سوخته هم همین اتفاق افتاده است. مردگان را خارج شهر دفن می‌کردند. در گورستان شهر سوخته، حدود ۳۷ هزار و پانصد اسکلت و قبر وجود دارد. البته ممکن است محاسبات ما دقیق نباشند، اما به احتمال قوی، حداقل سی هزار و حداکثر چهل هزار قبر در آن وجود دارد. یعنی ما بزرگ‌ترین آزمایشگاه تاریخ را در شهر سوخته داریم. چرا که قبرها اطلاعات بسیار زیادی در مورد نحوه زندگی مردم و مشاغل آن‌ها، ثروت و فقرشان و... به ما نشان می‌دهند. بنابراین گورستان یک منبع اطلاعات تاریخی، فنی و هنری است.

اطلاعاتی که امروزه ما خدمت شما عرض می‌کنیم، براساس همین قبرهاست. تاکنون حدود سیصد قبر حفاری شده. البته در منطقه مسکونی هم کاوش‌هایی انجام شده، ولی بیش تر اطلاعات براساس قبرها به دست آمده است.

تا الان، چند نوع ساختار قبر در شهر سوخته پیدا کرده‌ایم که این موضوع چند معنا دارد. یک معنایش این است که مردمی با دیدگاه‌های متفاوت در این جا زندگی می‌کرده‌اند. یک معنای دیگرش هم وجود اختلاف طبقه اجتماعی است.

مهم‌ترین نوع قبری که در این جا استفاده می‌شده، چاله‌ای ساده بوده است. یک چاله ساده می‌کنند، مرده را داخلش می‌گذاشتند، و هدیه

به علاوه، شهر سوخته بدون شهرک‌ها و روستاهای اقماری اش نمی‌توانسته زنده بماند؛ همان‌طور که حالا نیز شهرها پشتیبانانی به نام روستا دارند که غذا تولید می‌کنند و اگر به شهر صنعتی، غذا وارد نشود، از بین می‌رود. بنابراین به غیر از شهر سوخته، ما هفتاد شهرک و روستا را در این جا شناسایی کرده‌ایم. موضوع جالب در سیستان این است که سه محوطه باستان‌شناسی در این جا داریم که هر کدام از آن‌ها در تاریخ باستان‌شناسی مملکت ما یگانه هستند. البته قصد ما، انکار اهمیت سایر مناطق کشور عزیزمان نیست.

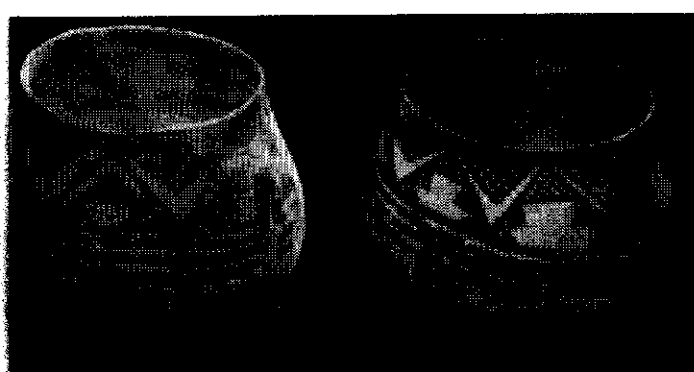
دهانه غلامان تنها شهر موجود از دوره هخامنشیان است که بر اساس نقشه ساخته شده و این‌طور نبوده است که یواش یواش، جمعیت زیاد شود و خانه بسازند. آدم‌هایی نشسته‌اند، برنامه ریخته‌اند و این شهر را درست کرده‌اند.

سال گذشته همین دهانه غلامان اسم زابل را در تمام محافل باستان‌شناسی بر سر زبان‌ها انداخت؛ به دلیل این که ما برای نخستین بار در آن جا نقاشی روی دیوار متعلق به زمان هخامنشی پیدا کردیم. از دوره هخامنشی یافته‌های بسیاری داشته‌ایم؛ از جمله: طلاها، ستون‌های زیبا، و تخت جمشید، ولی نقاشی دیواری تاکنون پیدا نشده بود. شبیه همین نقاشی که در دهانه غلامان پیدا شده، روی مهر شخصی داریوش شاه در مصر و در رودخانه جیحون در آسیای مرکزی هم دیده شده است. بنابراین، همان‌طور که می‌بینید، آثار باستانی این منطقه محدود به شهر سوخته نیست.

دهانه غلامان به خودی خود دنیایی است از اطلاعات و داده‌هایی که از نظر باستان‌شناسی اهمیت فراوان دارند. بعد می‌رسیم به کوه خواجه که یگانه اثر خشتی مهمی است که از زمان پارت‌ها در این جا وجود دارد. جناب آقای رئیس‌جمهور مبحث گفت‌وگوی تمدن‌ها را پیش کشیده‌اند. ما آن را در کوه خواجه به روشنی می‌بینیم، زیرا برای پروان زرتشت، مقدس و برای مسیحی‌ها مهم است. در «انجیل» مطالبی در مورد سه فرد نوشته شده است که با دیدن ستاره‌ها، محل پیدایش پیامبر جدید را فهمیده بودند و به فلسطین رفتند. خوب بحث تخصصی درباره شهر سوخته فردا شب انجام می‌شود و در این جا فقط کلیاتی را مطرح کردیم. حالا اگر سؤالی هست، بفرمایید.

○ نام اصلی شهر سوخته چه بوده؟

● ما در لوحه‌های سومری، فهرستی از شهرهایی که سومری‌ها، وارداتی از آن‌ها داشته‌اند، به دست آورده‌ایم. مثلاً، از یک شهر سنگ می‌آمده، از یک شهر جانور و... در میان این شهرها، از شهری نام برده شده به نام آرته. این شهر توصیفاتی دارد که بعضی از باستان‌شناسان را به این فکر انداخت که آرته سومری همان شهر سوخته است. اما این موضوع برای عده‌ای دیگر از باستان‌شناسان پذیرفته نیست. به همین دلیل، تعیین نام اصلی شهر سوخته هنوز ممکن نیست.



و غذا هم کنارش قرار می دادند. نوع دیگر این قبرها، مثل همان چاله های معمولی بوده، با این تفاوت که با دیواری، قبر را به دو قسمت تقسیم می کردند. یک طرف فرد مدفون را قرار می دادند و طرف دیگر خالی می ماند. این کار بیش تر برای گول زدن ارواح بوده است.

ممکن است کسی بپرسد، در انواع دیگر چه طور ارواح را فراری می دادند. بسیار ساده است. ما همه می دانیم که سیر یک گیاه بدبوست. آن ها از سیر برای فراری دادن ارواح استفاده می کردند.

بعضی قبرها هم سردابه ای هستند. از این قبرها حتی تا چهار بار هم استفاده می شد؛ یعنی نوعی قبر خانوادگی بوده است. کسانی که در این قبرها دفن شده اند، یا جایگاه اجتماعی خاصی یا ثروت فراوانی داشته اند.

داشته اند که در تمام قبرها پیدا نمی شوند. در بعضی از قبرها، ظرف هایی وجود داشتند که در آن ها غذا یا مایحتاجی می ریختند. در بعضی از قبرها هم مهره هایی هست که جنبه آئینی دارند. این گونه مهره ها را در سه وضعیت خاص قرار می دادند: یکی زیر پای مرده، یکی زیر سرش و یکی هم زیر مهره های کمر او.

اما آنچه که در شهر سوخته زیادهای می شود و مهم است، سفال است. سفال یکی از عامل های جنگل زدایی انسان است، زیرا برای حرارت دادن و خشک کردن سفال، از چوب استفاده می شده است. البته برای کارهای دیگر هم، از قبیل گرم کردن خانه، پختن غذا، ذوب کردن آهن و... چوب را می سوزاندند، ولی بیش تر چوب ها برای پختن سفال از بین رفته اند.



بعضی از این قبرها دو نفره و سه نفره و بعضی هم سیزده نفره بوده اند و ما می فهمیم که این قبرها خانوادگی بوده اند. در یکی از موارد،

یک زن و شوهر دفن شده بودند که زن حدود شش تا هشت ماه بعد از فوت شوهرش مرده بود و قبر شوهرش را باز کرده و زن را داخلش گذاشته بودند. بعضی از قبرها هم مخصوص زمانی بوده اند که یک بیماری می آمده و تمام اعضای خانواده را از بین می برده است. از جمله، قبری را دیدیم که یک خانم را با دو بچه اش با هم در آن دفن کرده بودند. ما پس از پنج هزار سال، عاطفه مادری را به چشم خود می بینیم: این مادر دست خود را روی فرزندانش گذاشته است.

یک مورد قتل هم مشاهده کردیم. فردی را با خنجر کشته و سرش را از بدنش جدا کرده بودند. خنجر هم کنار دستش بود. شاید او فرد خلافکاری بوده و در آن زمان خلافی کرده است و سرش را بریده اند. البته پذیرش این فکر کمی مشکل است؛ چون اگر خلاف کار بود، دیگر مراسمی برای او نمی گرفتند. آیا در شهر سوخته هم قربانی انسان وجود داشته است؟ نمونه های دیگری هم داشتیم. در بعضی قبرها، مجموعه های شش نفر را کنار هم و گردهم گذاشته و بقیه قسمت های بدن آن ها را وسط قرار داده اند.

گفتم که در قبرها اشیایی هم وجود داشته اند، ولی در بعضی قبرها چیزی نبود و خالی بودند. البته ممکن است، اشیایی از مواد فاسدشدنی، مانند حصیر، چوب، پارچه و... بوده اند که از بین رفته اند. اشیایی داخل قبرها هر کدام برای منظور خاصی بوده اند. بعضی شغل متوفی و بعضی اعتقادات او را نشان می دهند. بعضی هم جنبه یادگاری و سنت را

سفال های شهر سوخته اشکال و انواع متفاوتی دارند. بعضی از سفال ها دارای نقش های هندسی هستند. سفال چند رنگ هم تولید می کردند که البته رنگ ها، رنگ های ثابتی نیستند. رنگ ثابت فقط رنگ قهوه ای بوده است. رنگ ها از مواد کانی بوده اند و اگر از سفال ها حفاظت نشود، رنگ ها از بین می روند. حال باید دید که این کانی ها از کجا آمده اند. آیا در منطقه سیستان و بلوچستان وجود داشته اند؟ یا باید دنبال اهالی این جا با مردمان دیگری باشیم؟

در شهر سوخته صنایع متفاوتی وجود داشته اند؛ از جمله مرمرسازی. البته کار مرمر برای ما تازگی ندارد و از همان وقت که همکاران ایتالیایی ما در این جا کار

می کردند، ظرف های مرمر هم پیدا شده اند که امروز هم داریم پیدا می کنیم. ظرف های مرمر دارای شکل های متنوعی هستند: جام های پایه دار و جام های بدون پایه، هاونگ و... کتابی هم در مورد جواهرسازی در شهر سوخته، هفته آینده از زیر چاپ بیرون می آید.

مردم شهر سوخته به شکار هم علاقه داشته اند؛ نه برای گذراندن وقت و تفریح، بلکه کاربردی داشته است. یکی این که از صید خود برای مبادله کالا استفاده می کردند. وسایل و ابزارهای خاصی برای شکار وجود داشته است: سنگ، چوب، استخوان، قلاب های ماهیگیری و تور ماهیگیری.

شهر سوخته مرکز تولید کالا بوده است؛ یعنی مرکزی بوده که شرق و غرب خاورمیانه را به هم متصل می کرده است. شهر سوخته واردکننده

که در این جا پیدا شده است. از این لوحه‌ها در شوش بسیار زیاد است. خط مورد استفاده آن زمان خط علائم بوده است که در آن، هر علامت یک معنا دارد. این علائم در واقع پدران خط میخی و... هستند، ولی ما این جا خطی که بتوانیم آن را طبقه‌بندی تصویری کنیم، نداریم.

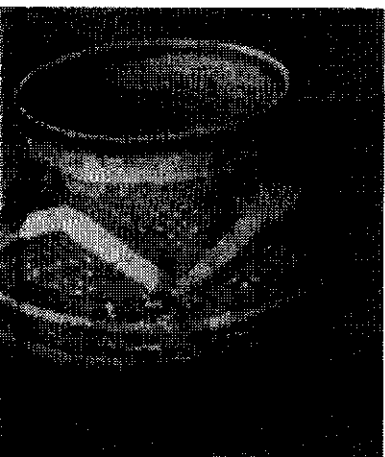
در شهر سوخته، روی سفال‌ها علائم گوناگونی وجود دارند که علائم مجازی هستند، ولی ما نمی‌دانیم واقعاً سفالگر آن‌ها را به صورت یک علامت زده است یا می‌خواسته پیامی را برساند. کار علائم رساندن پیام است. یعنی مردم شهر سوخته می‌خواستند، پیامی را به یکدیگر برسانند. تا حالا هیچ کدام از این علائم و پیام‌ها کشف نشده‌اند.

در یک طبقه‌بندی بسیار اولیه و فرضی که ما انجام داده‌ایم، بعضی از این علائم می‌توانند معنایی داشته باشند، ولی آنچه که ما توانسته‌ایم طبقه‌بندی کنیم، خیلی محدود است و اعتقاد زیادی به آن‌ها نداریم؛ چون در مراحل اولیه کار، تعداد پیام‌ها بسیار زیاد است، ولی شباهت‌هایی با هم دارند.

در سال ۱۳۷۹ در قبر یک بچه، کاسه‌ای پیدا کردیم مربوط به ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد که داخل آن علائمی شبیه خط وجود دارد، ولی با هیچ کدام از خط‌های شناخته شده مطابقت ندارد. از سوی دیگر علائم تزئینی هم نیستند. به نوعی خط را القا می‌کنند، ولی عرض کردم، هیچ مطابقتی با علامت و خطوطی که حتی در دره سوند پیدا شده‌اند، ندارند. الان هم، همکاران خط شناس ما مشغول مطالعه هستند، ولی هنوز چیزی در این باره نفهمیده‌اند و این موضوع همچنان سؤال بزرگی است. ما حتی نمی‌دانیم، اصلاً این اثر مربوط به این جاست یا نه. چون بسیار شبیه آثار شوش است و اگر روی آن نوشته نشده بود، متعلق به شهر سوخته است، فکر می‌کردیم مال شوش است. شاید هم از شوش به این جا انتقال یافته و در این جا پیدا شده است. در هر حال، با توجه به ویژگی‌های زندگی شهری، باید احتمال وجود نوعی خط در این جا را هم جدی گرفت. این که ما پیدا نکرده‌ایم، دلیل وجود نداشتن آن نیست. مسلم است که بالاخره کسی آرشو و بایگانی شهر سوخته را پیدا خواهد کرد. در هر صورت، در مورد کتابت تنها اطلاع موجود همین است و ما تا دو درصد از خط و کتابت این جا اطلاع داریم.

○ آقای دکتر در مورد لوله‌های سفالی یافت شده در این جا، توضیحی بدهید.

● ما می‌دانیم که این لوله‌ها مخصوص انتقال مایعات بوده‌اند، اما چندان مشخص نیست که این لوله مخصوص آب بوده‌اند یا فاضلاب؛ که البته دلیل آن کوتاهی و قصور ما باستان‌شناسان است. چون وقتی این لوله‌ها پیدا شدند، از داخل لوله‌ها نمونه برداری نشد.



سنگ لاجورد بوده و آن را به صورت کلوخه از بدخشان می‌آوردند. آن را شکل می‌دادند و به صورت مهره با واسطه‌هایی به بین‌النهرین صادر می‌کردند؛ به دلیل این که بازار بین‌المللی پنج هزار سال پیش در بین‌النهرین بوده است. در واقع به سفارش بازار مهره‌سازی می‌کردند. مردم شهر سوخته به زیبایی ظاهری خودشان هم خیلی علاقه داشتند. مردان و زنان گردنبندهایی داشتند که مهره‌های آن‌ها از جنس‌های متفاوتی بودند: فیروزه که از آسیای مرکزی وارد می‌شد، استخوان، طلا، عقیق و صدف‌های دریایی. جواهرسازی در شهر سوخته کار آسانی نبوده است، چون مهره‌های ظریف را باید چنان سوراخ می‌کردند که نخ از آن‌ها بگذرد.

ج) سخنان دکتر سجادی در بازدید از شهر سوخته

قبل از شروع بازدید لازم است، به یک موضوع اشاره کنیم و آن، موضوع زبان و خط مردم در شهر سوخته است.

در مورد زبان خدمتتان عرض کنم که علم باستان‌شناسی هنوز نمی‌تواند بدون استفاده از نوشتار، زبان مردم را بشناسد. لازم است خط شناخته شده‌ای از آن‌ها در دست باشد. مثل زمان هخامنشی که فارسی باستان صحبت می‌کردند و ما از منابع و کانال‌های گوناگون در مورد آن، اطلاعات به دست آورده‌ایم. یونانی‌ها نوشته‌اند، زبان امروز خود ما تکامل آن زبان است. بعضی از واژه‌هایی را که امروز به کار می‌بریم، در آن زمان هم به کار می‌بردند و خطشان هم کاملاً خوانده شده است. ولی در مورد پیش از تاریخ، دسترسی به زبان در حال حاضر غیرممکن است؛ گرچه به این منظور کوشش‌هایی در سطح جهان انجام گرفته است. مثل خواندن براساس نقش‌های روی سفال‌ها. وقتی سفالگر سفال را می‌ساخته و انگشتان دستش حرکت می‌کرده، احتمالاً با خود زمزمه‌هایی داشته است. می‌کوشند امواج این زمزمه‌ها را که در هوا بوده، بگیرند و بازسازی کنند و به نوعی از صداها و حرف‌ها برسند. این از مسأله زبان. در مورد کتابت و خط لازم است توجه کنیم که در ابداع نوشتن، ضرورت ثبت و ضبط اموال مطرح بوده است. نخستین اثرهای نوشته شده، علائمی هستند که ارقام را بیان می‌کنند. فرض کنید، یک نقطه می‌گذاشتند یعنی یک، و دو نقطه می‌گذاشتند یعنی دو. شهر سوخته هم به دلیل این که یک شهر است و در شهرها مسائل مالی و اقتصادی اهمیت داشته‌اند، از این قاعده مستثنا نیست. یعنی در این جا هم کتابت اقتصادی وجود داشته است و ما امیدواریم، روزی آرشو شهر را پیدا کنیم؛ آرشو مربوط به دوره‌های جدیدتر شهر، یعنی دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد را.

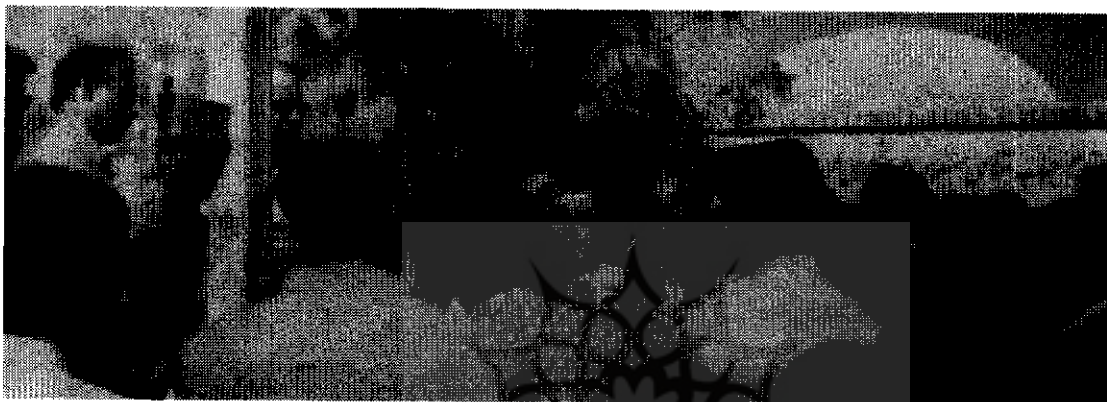
به کمک چنین آرشویی ما می‌توانیم به ارتباطات شهری پی ببریم، ولی آنچه که تاکنون در این جا پیدا شده، یک لوحه گلی است که ما به این گونه لوحه‌ها، لوحه بالشتی شکل می‌گوییم. روی این لوحه نوشته‌ای وجود دارد که مشخص شده، این نوشته یک فاکتور رسیده است که شخصی به شخص دیگری داده است. روی آن هم با نقوش نوشته است که فلان مقدار از فلان کالا خریده شد. این قدیمی‌ترین نوشته‌ای است

تمام باستان‌شناسان دنیا به بین‌النهرین توجه دارند و این منطقه را از جاهای دیگر مهم‌تر می‌دانند. اما ما معتقدیم، آنچه که در بین‌النهرین هست، شاید از این جا به بین‌النهرین رفته باشد.

جیرفت که پیدا شد، کلی ما را جلو انداخت. چون آنچه که در جیرفت وجود دارد، در بین‌النهرین هم بوده است. مثلاً اگر در بین‌النهرین چند جام زیبا یافتند در جیرفت چند برابر آن پیدا شد. یکی از هدف‌های ما هم این است که ارتباطی بین جیرفت با شهر سوخته پیدا کنیم.

○ آقای دکتر، درباره اعتقاد مردم این جا چه اطلاعاتی به دست آمده است؟

● براساس آنچه که در گورها پیدا شده است، آن‌ها به زندگی بعد از مرگ



ایستگاه‌ها و این تبادل‌ها همین‌طور ادامه داشتند تا مثلاً کالابو بین‌النهرین می‌رسید. بنابراین، سخن گفتن از ارتباط مستقیم شهر سوخته با

اعتقاد داشته‌اند. این خودش نوعی اعتقاد به ماورای طبیعت است. نهایت این است که آن‌ها به وجود خدای واحد و یگانه پی نبرده بودند و این طبیعی است. آن‌ها عناصر طبیعت را هم نمی‌پرستیدند. تنها چیزی که ما می‌توانیم خدمت شما بگوییم این است که گاو را ستایش می‌کردند و نور را هم به اعتباری می‌ستودند. ما حتی ساعت و وقت تدفین افراد را هم کم و بیش تشخیص داده‌ایم. آن‌ها جهت صورت و چشمان مرده را به سمت خورشید قرار می‌دادند. اگر هم غروب فرد را دفن می‌کردند، او را از پشت می‌گذاشتند؛ یعنی این که تاریکی مطلق بالای سرش بوده است. اگر هم مثلاً ساعت دوازده ظهر بوده است، سر و صورتش درست دارد به نقطه مرکزی آسمان نگاه می‌کند. گاو را هم ستایش می‌کردند و این ستایش عجیب نبوده است، زیرا موجودی مفید است و می‌توانستند از او استفاده کنند؛ هم هنگام زنده بودنش و هم هنگام مردنش. بنابراین، جزئی از اقتصاد خانواده و زندگی آن‌ها بوده است.

○ استاد در مورد آتش‌سوزی در این شهر بفرمایید؟

● آتش‌سوزی یک پدیده طبیعی است. در شهر چوب، حصیر و علوفه زیاد بوده و باد هم که وجود داشته است. بهتر از من می‌دانید که اگر جرقه‌ای به وجود می‌آمده، به راحتی آتش‌سوزی می‌شده است. در آن زمان آتش‌نشانی هم وجود نداشته و اگر جایی آتش می‌گرفته، خیلی راحت و ساده به جاهای دیگر سرایت می‌کرده است. خانه‌ها هم با چوب و حصیر ساخته شده بوده که آتش آن‌ها را به راحتی از بین می‌برده است.

اگر نمونه برداری انجام می‌شد، نوع ماده‌ای که در آن جریان داشته است، مشخص می‌شد.

○ آقای دکتر، گفته شده است، شهر سوخته حلقه رابط تمدن‌های غرب ایران، از جمله بین‌النهرین، با تمدن‌های شرقی، از جمله دره سند بوده است. آیا این درست است؟

● بین بین‌النهرین و کوه‌های بدخشان حدود ۴ هزار کیلومتر فاصله بوده است و کسی که بین این‌ها است، نه ساکنان بین‌النهرین و نه ساکنان کوه‌های بدخشان را، نمی‌شناخته است، ولی با واسطه‌هایی با آن‌ها ارتباط‌هایی بوده است. مثلاً انسان شهر سوخته، کالایی را ۱۰۰ کیلومتر آن طرف‌تر مبادله می‌کرد و طرف او هم، کالا را به آن‌سوتر می‌برد. این

تمدن‌های غرب و شرق ایران، سخن چندان دقیق نیست.

○ آقای دکتر در مورد یافت نشدن سلاح جنگی و سکه در شهر سوخته توضیح بفرمایید.

● البته تعدادی ابزار پیدا شده است که برای شکار هستند. سکه هم تاکنون پیدا نشده است.

○ استاد بفرمایید، افرادی که در این جا بوده‌اند، ساکن بوده‌اند یا مهاجر؟

● آن‌ها مهاجر بوده‌اند و به تدریج آمده‌اند و با اقوام بومی مخلوط شده‌اند. اغلب مهاجران از شرق و شمال، و گروه کمی هم از سایر نقاط آمده‌اند. زمانی که این جا صنعتی و شهرنشین می‌شود، افرادی برای رفاه و آسایش خود به این جا هجرت می‌کنند.

○ آیا در زمینه تقسیم‌بندی نژادی، می‌توان چیزی در مورد مردم شهر سوخته پیدا کرد؟

● خیر، نژاد هم مثل زبان است. البته ما برنامه‌ای برای تحقیق درباره زیست‌شناسی و انسان‌شناسی ساکنان این شهر داریم.

○ آقای دکتر ببخشید، یک سؤال که ارتباط مستقیمی هم با شهر سوخته ندارد، اما معلمان سراسر کشور آن را مطرح می‌کنند، جریان کشفیات جیرفت است. لطفاً در این باره توضیح بفرمایید.

● سال ۱۳۶۳، تپه‌های باستانی جیرفت را من پیدا کردم. گزارش هم نوشتم و چاپ شد؛ خیلی قبل از این که اتفاقات اخیر بیفتند. پیدا شدن محوطه تاریخی جیرفت به ما خیلی کمک کرد و ما هم خیلی خوشحالیم.